

مجسمه‌سازی سنگی شونا - تولد یک جنبش هنری بین‌المللی

مقدمه

زیمبابوه کشوری محصور در خشکی است که در بخش جنوبی قاره آفریقا، میان رودخانه‌های زامبزی و لیمپوپو واقع شده است. این کشور از جنوب با آفریقای جنوبی، از جنوب‌غربی با بوتسوانا، از شمال‌غربی با زامبیا و از شرق با موزامبیک هم‌مرز است.

مجسمه‌سازی همچنان نیرویی غالب در هنر معاصر زیمبابوه به شمار می‌آید. مجسمه‌سازان سنگی این کشور همچنان در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شوند و آثارشان اغلب به‌عنوان نماد فرهنگ زیمبابوه تلقی می‌گردد.

مجسمه‌های شونا از زیمبابوه چیزی فراتر از آثار هنری هستند؛ آن‌ها آثاری قدرتمند و معنادارند که شما را به میراث فرهنگی غنی پیوند می‌دهند. این مجسمه‌ها با مهارتی استادانه از سنگ‌های چشم‌نوازی چون سنگ صابونی و سرپانتین تراشیده می‌شوند و هر یک داستانی منحصر به فرد را روایت می‌کند که در آن سنت با بیان مدرن درهم می‌آمیزد. این آثار جوهره معنویت آفریقایی را به تصویر می‌کشند و طرح‌هایشان از نیاکان، حیوانات و طبیعت الهام گرفته شده است.



هنر شاخص مجسمه‌سازی سنگی زیمبابوه در طول سال‌ها تکامل یافته است؛ به‌گونه‌ای که نسل‌های جدید با حفظ جوهره معنوی آن، دیدگاه‌های تازه‌ای به این هنر افزوده‌اند. مجموعه‌گزینش‌شده ما شاهکارهای معاصر را به نمایش می‌گذارد و گاه آثاری کمیاب از نسل‌های پیشین را نیز در بر می‌گیرد. هر اثر روایتی بصری و قدرتمند است که مخاطب را به تعامل، تأمل و ایجاد ارتباط دعوت می‌کند. هر اثری زیبایی‌ای را کشف می‌کند و مردمان را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

تاریخچه مجسمه‌سازی شونا

جنبش مجسمه‌سازی شونا ریشه‌ای عمیق در سنت‌های زیمبابوه دارد و به‌عنوان یکی از قدرتمندترین جنبش‌های هنری آفریقا شناخته می‌شود. مجسمه‌سازی شونا بازتاب‌دهنده میراث فرهنگی غنی زیمبابوه است و به‌عنوان یکی از نیرومندترین و معتبرترین هنرهای آفریقا جایگاهی ویژه دارد. این هنر که از سنت‌های کهن مجسمه‌سازی سنگی زیمبابوه سرچشمه گرفته، همچنان در حال تکامل است و هنر مدرن را با قرن‌ها نمادپردازی و مهارت‌های استادانه درهم می‌آمیزد. این نوشتار به بررسی خاستگاه‌ها، مواد به‌کاررفته و میراث ماندگار آن می‌پردازد.



تاریخ زیمبابوه و تاریخ مجسمه‌سازان آن به‌طور جدایی‌ناپذیری به یکدیگر پیوند خورده‌اند. واژه «زیمبابوه» در زبان شونا به معنای «خانه سنگی» است و از نام یک امپراتوری باستانی گرفته شده که از قرن یازدهم تا پانزدهم میلادی در این سرزمین شکوفا بود. این امپراتوری که با نام «زیمبابوه بزرگ» شناخته می‌شود، شهری سنگی و گسترده بود که در زمینه کشاورزی و تجارت بین‌المللی تخصص داشت. باستان‌شناسان درون تالارهای سنگی آن اشیای کمیابی، از جمله چینی‌آلات چینی کشف کرده‌اند که گواهی بر پیچیدگی و گستره امپراتوری شونا است. مجسمه‌سازی زینت‌بخش زیمبابوه بزرگ بود و شاخص‌ترین نمونه آن تصویر عقاب ماهی‌گیر یا «پرنده زیمبابوه» است که امروزه به‌طور برجسته بر پرچم ملی این کشور دیده می‌شود.

بی‌تردید، مجسمه‌سازی شونا گواهی است بر میراث هنری غنی مردم شونای زیمبابوه. این سنت مجسمه‌سازی که به‌خاطر زیبایی چشمگیر و ظرافت در مهارت ساخت شهرت دارد، تاریخی پر بار و زنده را در طول نسل‌ها با خود حمل می‌کند. تاریخ مجسمه‌سازی شونا به دوران پیش از استعمار زیمبابوه بازمی‌گردد؛ زمانی که تراش سنگ قرن‌ها پیش از آن رواج داشت. مردم شونا،

با باورهای عمیق معنوی و احترام ویژه به جهان طبیعت، به خلق مجسمه‌های سنگی پرداختند تا با نیاکان خود ارتباط برقرار کنند و هویت فرهنگی خویش را بیان نمایند. این مجسمه‌ها که عمدتاً از مواد بومی فراوانی چون سرپانتین، دولومیت و وردایت ساخته می‌شدند، رابطه صمیمی شونا با طبیعت را بازتاب می‌دادند.

قرن بیستم نقطه عطفی مهم در تاریخ مجسمه‌سازی شونا بود. در جریان مبارزات آزادی‌بخش زیمبابوه علیه حاکمیت استعماری، بسیاری از هنرمندان شونا به‌طور فعال در جنبش مقاومت مشارکت داشتند. فضای شدیداً سیاسی آن دوران، آثار هنری آنان را با حس کنش‌گری و نقد اجتماعی آمیخت. مجسمه‌سازی به رسانه‌ای قدرتمند تبدیل شد که از طریق آن مردم شونا رنج‌ها، امیدها و آرزوهای خود را بیان می‌کردند.

در دهه ۱۹۶۰، مجموعه‌ای از رویدادهای خوش‌یمن به شناخته‌شدن بین‌المللی مجسمه‌سازی شونا انجامید. فرانک مک‌ایون، شخصیت تأثیرگذار و نخستین مدیر گالری ملی رودزیا (زیمبابوه امروزی)، ارزش هنری مجسمه‌های شونا را دریافت و نمایشگاهی را برای نمایش زیبایی خارق‌العاده آن‌ها برگزار کرد. این نمایشگاه آغاز سفر جهانی مجسمه‌سازی شونا بود.

فرانک مک‌ایون، کیوریتور دوران‌دیش گالری ملی زیمبابوه، با درک پیوند عمیق مردم شونا با سنگ و میل ذاتی آنان به بیان خلاقانه، کارگاه مجسمه‌سازی‌ای را در گالری تأسیس کرد و از هنرمندان نوپا برای مشارکت دعوت به عمل آورد. هیچ آموزشی به‌صورت رسمی ارائه نمی‌شد؛ علاقه‌مندان صرفاً ابزار و سنگ دریافت می‌کردند. از مجسمه‌سازان بااستعداد نسل‌های نخست می‌توان به توماس موکارپوبگوا، جورام ماریگا، برنارد ماتمرا، سیلوستر موبایی، هنری موکاروبگوا، هنری مونیاراتزی، جوزف ندانداریکا، ریچارد متکی، کولین مادامومبه (شناخته‌شده‌ترین مجسمه‌ساز زن)، برنارد تاکاویرا و برادرش جان تاکاویرا و خانواده موکومبرانوا اشاره کرد. برخی از هنرمندان نسل اول، مانند بیرو فرناندو و جوسایا مانزی، همچنان به خلق مجسمه‌های سنگی ادامه می‌دهند.

به‌گفته مک‌ایون، آثار آنان «تصاویری را آشکار می‌کرد که در ژرفای جانشان حمل می‌کردند». هیچ آموزش فنی‌ای داده نمی‌شد؛ مجسمه‌سازان از یکدیگر می‌آموختند و به یکدیگر آموزش می‌دادند. این سنت شاگردپروری تا امروز نیز ادامه دارد. هنرمندان نوپا با تماشای استادان، با مشاهده سنگ و سرانجام با به‌دست گرفتن ابزار و کار مستقیم روی سنگ، می‌آموزند.

هنرمندان برای الهام، به‌طور گسترده به فرهنگ سنتی رجوع می‌کنند: اسطوره‌ها، افسانه‌ها، آیین‌ها و باور به ارواح نیاکان که حتی در زندگی معاصر و شهری زیمبابوه نیز حضوری پررنگ دارند. زن بودن همواره در این مجسمه‌ها گرامی داشته می‌شود: بالاتنه برهنه، دختر رقصان، مادر و کودک به شیوه‌های گوناگون به تصویر کشیده می‌شوند. جهان طبیعت و رابطه انسان با آن، مضمون مهم دیگری است که بازتابی صادقانه از ریشه‌های روستایی کشور به‌شمار می‌آید. این جنبش هنری هنرمندانی را از کشورهای پیرامونی آفریقا—مانند موزامبیک، آفریقای جنوبی و زامبیا—به خود جذب کرده و همچنان می‌کند؛ از این‌رو، با وجود غالب بودن هنرمندان شونا، تأثیرات فرهنگی دیگر نیز به غنای این آثار افزوده است.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، جهان دریافت که جنبشی هنری نو در آفریقا متولد شده است و مجموعه‌داران شروع به خرید آثار کردند. این آثار نخست در بریتانیا، هلند و آلمان محبوبیت یافتند. در سال‌های اخیر، کشورهای اروپایی بیشتری، ایالات متحده و استرالیا میزبان نمایشگاه‌های مجسمه‌سازی شونا بوده‌اند و گالری‌های تخصصی در شهرهای بزرگ و بین‌المللی گشایش یافته‌اند. آثار برخی از پیشگامان نسل نخست، مانند جورام ماریگا، نیکولاس موکومبرانوا، برنارد ماتمرا، هنری مونیاراتزی و سیلوستر موبایی، امروزه در مجموعه‌های دائمی بسیاری از موزه‌های مشهور و نزد مجموعه‌داران خصوصی نگهداری می‌شوند.



از زمان استقلال زیمبابوه در سال ۱۹۸۰، هنر سنگ‌تراشی برخاسته از این کشور شهرتی جهانی یافته است؛ تا آنجا که مجله نیوزویک آن را «مهم‌ترین شکل هنری نوینی که در این قرن از آفریقا ظهور کرده است» توصیف کرد.

با این شناخته‌شدن بین‌المللی، مجسمه‌سازی شونا شاهد رشدی تصاعدی در محبوبیت و تقاضا بود. هنرمندان، چه پیشکسوت و چه نوظهور، مرزهای شکل سنتی این هنر را گسترش دادند و با سبک‌ها، موضوعات و تکنیک‌های گوناگون به تجربه پرداختند. زبان زیبایی‌شناختی مجسمه‌سازی شونا توسعه یافت و با دربرگرفتن فرم‌های انتزاعی و مضامین متنوعی که تجربه انسانی، معنویت و طبیعت را به تصویر می‌کشید، غنای بیشتری پیدا کرد. پس از استقلال در سال ۱۹۸۰، با گشوده‌شدن مسیرهای تجاری پیش‌تر محدودشده و ورود گسترده مجموعه‌داران هنری، این جنبش رشدی چشمگیر یافت. چندین مجسمه‌ساز برجسته، مانند هنری مونیارا تزی و نیکولاس موکومبرانوا، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به تعریف این جنبش پرداختند و در نمایشگاه‌های بین‌المللی شاخصی حضور یافتند. هنرمندان برجسته امروز، همچون دومینیک بنهورا و جو موتاسا، این هنر را باز هم فراتر برده‌اند و برنامه‌های منظم و فشرده‌ای از نمایشگاه‌های بین‌المللی دارند.

مجسمه‌سازی شونا به صنعتی هنری پویا در زیمبابوه تبدیل شده است. آثار هنرمندان شونا را می‌توان در گالری‌ها و موزه‌های سراسر جهان یافت؛ آثاری که به‌خاطر زیبایی‌شناسی منحصر به فرد و اهمیت فرهنگی‌شان مورد تحسین قرار می‌گیرند. این مجسمه‌ها همچنان در حال تحول‌اند و هنرمندان، در عین وفاداری به ریشه‌های نیاکانی خود، تأثیرات معاصر را نیز در کارهایشان وارد می‌کنند. این هنر هم منبع درآمد است و هم ابزاری برای حفظ فرهنگ؛ به جامعه شونا امکان می‌دهد میراث خود را زنده نگه دارند و معیشت خویش را تأمین کنند.

سنگ‌تراشی برای مردم شونا وسیله‌ای برای بیان احساس و اندیشه است که از اوایل دهه ۱۹۶۰ وارد صحنه هنر شد. با افزایش محبوبیت، دسترسی به بازارهای گسترده‌تر به هنرمندان اجازه داد تا با انواع متنوع‌تری از سنگ کار کنند، به‌ویژه سنگ‌های سخت‌تری مانند سرپانتین، اوپال و اسپرینگ‌استون. این سنگ‌های سخت‌تر امکان ایجاد جزئیات ظریف‌تر را نسبت به سنگ‌های نرم فراهم کردند. تمامی این مجسمه‌های زیبا به‌صورت کاملاً دستی تراشیده می‌شوند.

این مجسمه‌ها که از سنگ‌های زیمبابوه ساخته شده‌اند، آثاری مستقیم، قدرتمند و عمیقاً بیان‌گر هستند. آن‌ها تجربه‌ای را در بیننده برمی‌انگیزند که یادآور ارزش‌هایی است که در خانواده‌های سنتی آفریقایی و در نهایت برای همه بشریت اهمیت بنیادین دارند.

مجسمه‌سازی شونا نقشی حیاتی در حفظ و ترویج میراث فرهنگی مردم شونا ایفا می‌کند. این مجسمه‌ها حامل داستان‌ها، باورها و ارزش‌های جامعه هستند و همچون پلی میان گذشته و حال عمل می‌کنند. آن‌ها یادآور تاب‌آوری و خلاقیت مردم شونا بوده و حس غرور و هویت را هم در میان هنرمندان و هم در جامعه گسترده‌تر تقویت می‌کنند.

تاریخ مجسمه‌سازی شونا روایتی شگفت‌انگیز از بیان هنری، پایداری فرهنگی و شناخته‌شدن جهانی است. از خاستگاه‌های ساده تا جایگاه امروزی، این هنر با زیبایی عمیق و نمادپردازی پرمعنای خود مخاطبان سراسر جهان را مجذوب کرده است. با ادامه تکامل این سنت هنری، مجسمه‌سازی شونا همچنان گواهی بر میراث غنی و توانمندی هنری مردم شونا و زیمبابوه باقی می‌ماند و این میراث را به آینده منتقل می‌کند.

«مجسمه‌سازی شونا» نامی است که به یک جنبش مدرن مجسمه‌سازی سنگی اطلاق می‌شود که در زیمبابوه شکل گرفته است. این نام از قوم «شونا» گرفته شده است (در واقع مجموعه‌ای از قبایل نزدیک به هم با زبان و فرهنگ مشابه) که بزرگ‌ترین گروه قومی زیمبابوه را تشکیل می‌دهند. خود نام کشور نیز ریشه در سنت دیرینه سنگ‌کاری مردم شونا دارد و به معنای «خانه سنگی» است. با این حال، سنگ‌تراشی سنتی شونا در گذشته هرگز به گستردگی یا اهمیت فرهنگی امروز نبود. کار با سنگ عمدتاً برای ساخت‌وساز یا تزئین انجام می‌شد که نمونه شاخص آن سکونتگاه زیمبابوه بزرگ است؛ شهری شصت هکتاری که از سنگ‌های تراشیده ساخته شده و در اوج شکوفایی خود تا ۱۸ هزار نفر را در خود جای می‌داد. این شهر که امروزه در فهرست میراث جهانی قرار دارد و به سده‌های یازدهم تا پانزدهم میلادی تعلق دارد، مهارت و نوآوری تاریخی قوم شونا را نشان می‌دهد.

رابطه مردم شونا با زمین و سنگ‌های فراوان آن، پیوندی عمیق با باورهای معنوی و فرهنگی‌شان داشت. از این‌رو، در گذشته چنین آثاری نه برای صادرات و نه به‌عنوان آثار هنری به معنای امروزی خلق می‌شدند. مجسمه‌سازی مدرن شونا تکامل‌یافته همین سنت است که از میانه قرن بیستم به‌عنوان جنبشی هنری پدیدار شد. رابطه ذاتی مردم شونا با این ماده و تمایل غریزی آنان

به استفاده خلاقانه از سنگ به شیوه‌ای نو، موجب رشد چشمگیر تولید و قدردانی از این آثار شد. به‌ویژه نقش فرانک مک‌ایون—هنرمند، مدرس و موزه‌دار انگلیسی—در جلب توجه جهانی به این جنبش نوپا بسیار تعیین‌کننده بود. تلاش‌های او به تأسیس گالری ملی زیمبابوه انجامید و اشتیاقش برای بخشیدن صدایی به مردم شونا از طریق هنر، باعث شد نخستین نسل از هنرمندان برجسته شونا به شهرت بین‌المللی دست یابند.

جنبش هنری شونا نسبتاً جوان است و همچنان در حال رشد و تحول می‌باشد. طراحی تازه و رویکرد سنتی مجسمه‌سازان شونا، آثار آنان را برای مجموعه‌داران و دوستداران هنر در سراسر جهان جذاب کرده است. یگانگی موضوع، سبک و ماده به‌کاررفته در این آثار تضمین می‌کند که با شناخته‌شدن بیشتر استعداد و مهارت این هنرمندان در جهان، محبوبیت و ارزش آن‌ها همچنان افزایش یابد.

مجسمه‌های شونا از آثار بازنمایانه تا انتزاعی را دربر می‌گیرند، اما همگی سرشار از حال‌وهوایی رازآلودند: باور به نیروی جادویی طبیعت، به قدرت ارواح قبیله‌ای و نیاکانی. پیوندی صمیمی با زمین و میراث بزرگان وجود دارد و اتکا به نمادها، رؤیاها و مراقبه به‌عنوان سرچشمه الهام برای فراخوان هنری به چشم می‌خورد.

مضامین و فرم‌های مجسمه‌سازی شونا



مجسمه‌سازی زیمبابوه طیف گسترده‌ای از مضامین را دربر می‌گیرد که بازتاب‌دهنده زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این کشور است. این هنر کهن ریشه‌های عمیقی در تاریخ و سنت‌های زیمبابوه دارد و مضامین آن نگاهی به روایت‌ها و بیان‌های متنوع فرهنگ زیمبابوه‌ای ارائه می‌دهد.

هشت مضمون جهان‌شمول در این هنر عبارت‌اند از: طبیعت و محیط‌زیست، زندگی روستایی، نقش زنان، بزرگان (ریش‌سفیدان)، جهان ارواح، آداب و افسانه‌ها، خانواده و کودکان.

مجسمه‌سازی سنگی زیمبابوه بر اهمیت معنویت شونا تأکید دارد؛ معنویتی که در مرکز کار با سنگ نزد مردم شونا قرار دارد. «پرنده زیمبابوه بزرگ» که از نخستین نقش‌مایه‌های سنگی مردم شونا بوده و امروزه در پرچم کشور نیز دیده می‌شود، نمایانگر معنایی عمیق و ریشه‌دار از باورهای معنوی مردمی است که امروز آنان را «قوم شونا» می‌شناسیم.

یکی از مضامین برجسته در مجسمه‌سازی زیمبابوه، معنویت و پیوند با باورهای نیاکانی است. بسیاری از مجسمه‌ها ارواح، نیاکان و موجودات اسطوره‌ای را به تصویر می‌کشند که بازتاب‌دهنده باورهای معنوی عمیق مردم زیمبابوه است. این آثار اغلب به‌منزله راهی برای ارتباط با جهان روحانی عمل می‌کنند و حس احترام و تکریم نسبت به ارواح نیاکان را منتقل می‌سازند. همچنین این آثار نماد اهمیت حفظ هماهنگی با جهان معنوی هستند؛ امری که در هویت فرهنگی زیمبابوه نقشی اساسی دارد.

مضمون رایج دیگر، ستایش زندگی روزمره و زیبایی جهان طبیعی است. هنرمندان اغلب از مناظر چشم‌نواز، حیات وحش و فعالیت‌های کشاورزی کشور الهام می‌گیرند. مجسمه‌هایی با موضوع حیوانات وحشی مانند فیل‌ها، شیرها و پرندگان به‌وفور دیده می‌شوند که سرزندگی و شکوه این موجودات را به تصویر می‌کشند. همچنین صحنه‌هایی از زندگی روزانه—مانند زنانی که آب حمل می‌کنند، کشاورزانی که زمین را شخم می‌زنند یا کودکانی که بازی می‌کنند—بر اهمیت اجتماع، تلاش و پایداری در جامعه زیمبابوه تأکید دارند.

نقد اجتماعی نیز از مضامین تکرارشونده در مجسمه‌سازی زیمبابوه است. هنرمندان از هنر خود برای روشن کردن مسائل اجتماعی، رویدادهای سیاسی و چالش‌های پیش‌روی جوامع شان استفاده می‌کنند. فقر، نابرابری، فساد و پیامدهای استعمار از جمله موضوعاتی هستند که در این آثار بازتاب می‌یابند. این مجسمه‌ها رسانه‌ای نیرومند برای بیان دغدغه‌ها، به چالش کشیدن وضع موجود و برانگیختن اندیشه و گفت‌وگو در میان مخاطبان‌اند. از خلال این آثار، مجسمه‌سازان زیمبابوه‌ای آرمان‌های خود را برای جامعه‌ای عادلانه‌تر و برابرتر بیان می‌کنند.

مضمون هویت نیز در مجسمه‌سازی زیمبابوه بررسی می‌شود و پیچیدگی‌های تاریخ و تنوع فرهنگی کشور را بازتاب می‌دهد. مجسمه‌سازان با نمایش پوشش‌های سنتی، آرایش مو و نشانه‌های چهره، به پاسداشت و حفظ میراث فرهنگی می‌پردازند. این آثار یادآور اهمیت پذیرش ریشه‌ها و احترام به هویت‌های گوناگون در جامعه زیمبابوه هستند و در عین حال با مفاهیم همسان‌سازی مقابله کرده و غرور فرهنگی و فراگیری را ترویج می‌کنند.

افزون بر این، مضمون پایداری و بقا نیز به‌طور گسترده در مجسمه‌سازی زیمبابوه دیده می‌شود. این کشور در طول تاریخ خود با چالش‌های فراوانی، از ناآرامی‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی گرفته تا بحران‌های زیست‌محیطی، روبه‌رو بوده است. مجسمه‌سازان روح شکست‌ناپذیر مردم

زیمبابوه را به تصویر می‌کشند و توانایی آنان را در ایستادگی در برابر دشواری‌ها نشان می‌دهند. این آثار منبع الهام و امید هستند و قدرت و تاب‌آوری مردم زیمبابوه را به جامعه محلی و جهان یادآوری می‌کنند.

در مجموع، مجسمه‌سازی زیمبابوه مجموعه‌ای متنوع از مضامین را دربر می‌گیرد که تاریخ، فرهنگ و چالش‌های اجتماعی کشور را بازتاب می‌دهد. از معنویت و زندگی روزمره تا نقد اجتماعی، هویت، پایداری و حفاظت از محیط‌زیست، این مضامین بافتی غنی از روایت‌ها و بیان‌های هنری را شکل می‌دهند. مجسمه‌سازان زیمبابوه‌ای همچنان به صحنه هنر جهانی یاری می‌رسانند، جوهره جامعه خود را ثبت می‌کنند و گفت‌وگو درباره مسائل مهم را برمی‌انگیزند.

معادن سنگ زیمبابوه و سنگ‌های مورد استفاده در مجسمه‌سازی

استخراج سنگ خام در زیمبابوه عمدتاً در مقیاس کوچک انجام می‌شود. معادن معمولاً گودال‌های روباز کوچکی هستند که به صورت دستی در دامنه‌های تند و تپه‌های سوزان حفر می‌شوند و دسترسی به آن‌ها اغلب تنها از طریق مسیرهای پیاده امکان‌پذیر است. این معادن آن قدر کوچک‌اند که آسیبی به محیط‌زیست وارد نمی‌کنند و منبع درآمد ارزشمندی برای جوامع روستایی به شمار می‌آیند.

بخش عمده سنگ‌های مورد استفاده در مجسمه‌سازی شونا به خانواده سرپانتین تعلق دارند. مجسمه‌سازان زیمبابوه‌ای مواد خام خود را به صورت محلی—در شمال، شرق و مرکز کشور—تهیه می‌کنند. سنگ‌هایی که بیشترین کاربرد را دارند به خانواده زمین‌شناسی سرپانتینیت تعلق دارند. سرپانتین سنگی رسوبی است که در ابتدا در بستر شنی دریا ته‌نشین شده و سپس بر اثر گرما و فشار شدید در طی صدها میلیون سال به سنگی سخت دگرگون شده است. سرپانتین‌ها سرشار از آهن‌اند و به همین دلیل در اثر هوازدگی به رنگ زنگاری درمی‌آیند.

در زیمبابوه، این سنگ‌ها بخشی از ساختار زمین‌شناسی «دایک بزرگ» هستند؛ سازه‌ای نعل‌اسبی‌شکل که از شمال و شرق تا مرکز کشور امتداد دارد. فرایندهای طبیعی هوازدگی، این سنگ‌ها را در سطح زمین نمایان کرده‌اند. طیف رنگی آن‌ها از زرد و سبز تا قهوه‌ای و سیاه متغیر است.

مجسمه‌سازان حرفه‌ای گونه‌های سخت‌تر سرپانتین مانند اسپرینگ‌استون، سرپانتین میوه‌ای و سنگ پلنگی را ترجیح می‌دهند. این سنگ‌های متراکم، دانه‌بندی بسیار ریز و ساختاری یکنواخت دارند و برای مجسمه‌سازی ایده‌آل‌اند. این نوع سنگ رسوبی-دگرگونی در رنگ‌های متنوعی از سبز-سیاه عمیق تا انواع نیمه‌قیمتی نادر و درخشان یافت می‌شود.

این ساختار زمین‌شناسی که صدها کیلومتر امتداد دارد، رگه‌ای بسیار غنی از مواد معدنی است که در آن سرپانتین شکل گرفته میلیون‌ها سال پیش به سطح زمین آمده است. بخش زیادی از این سنگ‌ها در معادن روباز کوچک و طبیعی توسط خود هنرمندان یا مردم محلی استخراج می‌شوند. این فرایند اثرات زیست‌محیطی اندکی دارد و منبع درآمد مهمی برای جوامع محلی فراهم می‌کند. افزایش محبوبیت هنر شونا و استفاده از این مواد، به شکوفایی اقتصادی جوامعی که آن را پذیرفته‌اند انجامیده است.

انواع سنگ‌ها

سنگ اوپال

اوپال سنگی نسبتاً نرم با رنگ سبز شیری روشن (گاهی با ته‌رنگ قهوه‌ای) و بافتی صاف و سطحی نزدیک به نیمه‌شفاف است. اغلب با لکه‌هایی قرمز، نارنجی یا آبی دیده می‌شود. اوپال نزد مجسمه‌سازان محبوب است، زیرا از اسپرینگ‌استون نرم‌تر بوده اما به پرداختی براق و زیبا می‌رسد.

اسپرینگ‌استون

یکی از سخت‌ترین سنگ‌های شوناست و همراه با لایه بیرونی قهوه‌ای‌رنگ نرم‌تر، بسیار مورد توجه مجسمه‌سازان قرار دارد. این سنگ تیره‌رنگ و بسیار متراکم است و قابلیت پرداخت تا درخششی بالا را دارد.

سنگ کبالت

می‌تواند بنفش یا سبز باشد و رگه‌هایی زرد و سفید یا قهوه‌ای-نارنجی داشته باشد. سنگی شکننده و نسبتاً کمیاب است و کار با آن دشوار؛ اما در دستان هنرمندان ماهر به آثاری خیره‌کننده می‌انجامد.

دولومیت

سنگی نسبتاً نرم با رنگ‌های سفید تا صورتی است و در حضور آهن می‌تواند زرد، خاکستری یا حتی سیاه باشد. دولومیت رایج و به راحتی قابل تراش است و اغلب دارای بلورهای شفاف سفید است که پس از پرداخت، جلایی مرواریدی ایجاد می‌کند.

سرپانتین

در سراسر جهان و به ویژه در زیمبابوه یافت می‌شود و تنوع زیادی در رنگ و سختی دارد؛ از قهوه‌ای-سیاه تا سبز و حتی نارنجی. این تنوع، آن را به ماده‌ای بسیار انعطاف‌پذیر برای مجسمه‌سازی بدل می‌کند.

باتر جید (یشم کره‌ای)

سنگی زرد و کرمی با لایه‌های تیره، سخت و بادوام است. یشم واقعی نیست اما به دلیل شباهت در پرداخت و سختی چنین نامی گرفته است. الگوها و رنگ‌های پنهان آن در حین تراش آشکار می‌شوند.

ساپولیت

سنگی سخت و سفید که گاه به‌اشتباه «اوپال سفید» نامیده می‌شود. جلایی مومی و مرواریدی دارد و معمولاً پرداخت مومی نمی‌شود، زیرا رنگ آن تغییر می‌کند.

اوپال لیمویی

نوعی اوپال با رگه‌های زرد ناشی از کوارتز است که جلوه‌ای زرد-سبز و درخشان ایجاد می‌کند. کمیاب‌تر و سخت‌تر از اوپال معمولی است.

سنگ پلنگی

سنگی زرد-کرم با لکه‌های سیاه شبیه پوست پلنگ؛ نوعی سرپانتین بسیار سخت که کار با آن دشوار است و تنها توسط مجسمه‌سازان ماهر تراشیده می‌شود.

فرایند مجسمه‌سازی

در زیمبابوه، سنگ‌ها به صورت دستی یا با استفاده از وینچ و جرثقیل‌های مکانیکی از معادن روباز استخراج می‌شوند. هرگز با مواد منفجره یا اره به اندازه‌های یکنواخت بریده نمی‌شوند، بلکه به شکل ژئودهای طبیعی—«مجسمه‌های خداوند»—باقی می‌مانند که اغلب الهام‌بخش فوری هنرمندان هستند. پوسته بیرونی سنگ که طی قرن‌ها اکسید شده، با رنگ درونی آن تضاد دارد. مجسمه‌سازان با مهارت فراوان سنگ‌هایی را برمی‌گزینند که از نظر رنگ، فرم و دانه‌بندی زیباترند و سپس با «چشم درون» خود می‌جویند تا تصویر نهفته در سنگ را آزاد کنند.

سپس هنرمند با چکش و اسکنه شروع به تراش می‌کند؛ فرایندی که بسته به اندازه و سختی سنگ، هفته‌ها یا ماه‌ها به طول می‌انجامد. جزئیات ظریف با ابزارهای کوچک‌تر و سپس با سوهان و سنباده نرم می‌شود. در پایان، سنگ شسته و با شعله یا مشعل گرم می‌گردد تا رنگ طبیعی آن از سبز زمردی تا سیاه آبنوس آشکار شود. این گرما سطح متخلخل سنگ را برای موم‌کاری آماده می‌کند. در حالی که سنگ هنوز گرم است، با موم زنبور عسل یا موم گیاهی کارنوبا پردازش می‌شود. چندین لایه موم اعمال می‌گردد و پس از سرد شدن، سطح آن با پارچه به صورت دستی جلا داده می‌شود تا رنگی غنی و درخششی بالا پدید آید. در مجسمه حاضر، هنرمند عمداً بخش تاج و پایه را پردازش نکرده تا طیفی چشمگیر از رنگ‌ها و بافت‌های سطحی ایجاد شود.



مشهورترین مجسمه‌سازان زیمبابوه



'Graceful', Agnes Nyanhongo

هنری موکاروبگوا ۱۹۲۴-۱۹۹۱
توماس موکاروبگوا ۱۹۲۴-۱۹۹۹
جورام ماریگا ۱۹۲۷-۲۰۰۰
هنری مونیاراتزی ۱۹۳۱-۱۹۹۸
فانیزانی آکودا ۱۹۳۲-۲۰۱۱
جان تاکویرا ۱۹۳۸-۱۹۸۹
جوزف ندانداریکا ۱۹۴۰-۱۹۹۱
نیکولاس موکومبرانوا ۱۹۴۰-۲۰۰۲
سیلوستر موبایی (متولد ۱۹۴۲)
برنارد ماتمرا ۱۹۴۶-۲۰۰۲
بوئیرا متکی ۱۹۴۶-۱۹۹۱
ریچارد متکی (متولد ۱۹۴۷)
موزس ماسایا ۱۹۴۷-۱۹۹۶
برنارد تاکویرا ۱۹۴۸-۱۹۹۷
لازاروس تاکویرا ۱۹۵۲-۲۰۲۱

با این حال، خانواده‌های بسیاری از مجسمه‌سازان وجود دارند که تأثیر عمیقی بر مجسمه‌سازی شونا گذاشته‌اند. مهارت‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و همچنین به صورت افقی به پسرعموها و بستگان سببی نیز گسترش یافته است.

خانواده‌های شاخص مجسمه‌سازان شونا:

بونجیسی: برادران تافونگا، ویتنس و لامک

گوتسا: برادران تاپفوما، جاناتان و آلفرد؛ پسر جاناتان: جان

ماموورا: پدر آلبرت؛ پسر الویس؛ عروس خانواده لورن

ماریگا: پدر جورام؛ پسر فردی

متکی: برادران بوئیرا و ریچارد

موکاروبگوا: برادران هنری و توماس

موکومبرانوا: پدر نیکولاس؛ برادرزاده نسبرت؛ پسران اندرسون و تاگوما

نیانهونگو: پدر کلاد؛ پسران گیدئون و برایان؛ دختر اگنس

تاکاویرا: برادران جان، برنارد و لازاروس؛ پسر جان: جرالد

لازاروس تاکاویرا ۱۹۵۲-۲۰۲۱

ارنست چیواریدزو (متولد ۱۹۵۴)

برایتون سانگو ۱۹۵۸-۱۹۹۵

گرگوری موتاسا (متولد ۱۹۵۹)

اگنس نیانهونگو (متولد ۱۹۶۰)

گلادمن زینیکا ۱۹۶۲-۲۰۰۰

زاخاریا نجوبو (متولد ۱۹۶۲)

زینیکا گلادمن ۱۹۶۲-۲۰۰۱

گریسون ماچینجیلی (متولد ۱۹۶۳)

جو موتاسا (متولد ۱۹۶۴)

کولین مادامومبه ۱۹۶۴-۲۰۰۹

مایک مونیاراتزی (متولد ۱۹۶۷)

دومینیک بنهورا (متولد ۱۹۶۸)

چیتووا جمالی (متولد ۱۹۶۹)

نِسیرت موکومبرانوا (متولد ۱۹۶۹)

ریموند چیرامباداره ۱۹۷۲-۲۰۰۶

توندراي مارزوا (متولد ۱۹۷۴)

سینگی چیهوُتا (متولد ۱۹۷۵)

ادمور سانگو (متولد ۱۹۷۷)

تندای موتین هیما (متولد ۱۹۸۲)

نسل دوم مجسمه‌سازان اغلب از بستگان نسل نخست بودند، زیرا این هنر از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. با این حال، هنرمندان تازه‌وارد بسیاری نیز وارد عرصه شدند و همگی با هم تأثیرات تازه و تخیل نوینی به هنر خود بخشیدند و اشکال، فرم‌ها، سبک‌ها و شیوه‌های پرداخت جدیدی را پدید آوردند.

امروزه نسل تازه‌ای از مجسمه‌سازان در زیمبابوه فعالیت می‌کند که نویدبخش آینده‌ای درخشان است. آثار آنان را می‌توان در مرکز هنری چیتونگویزا، واقع در حدود ۲۵ کیلومتری شهر هراره، پایتخت زیمبابوه، مشاهده کرد. این هنرمندان جوان با تأثیرپذیری از فضاهای شهری نوین، در عین تداوم سنت «مجسمه‌سازی شونا»، سبکی مدرن و تازه را با استفاده از اسپرینگ‌استون سیاه سخت، سرپانتین‌های پررنگ، سنگ صابونی، سنگ‌آهک خاکستری و سنگ‌های نیمه‌قیمتی همچون وردایت و لپیدولیت خلق می‌کنند.

با این همه، مجسمه‌سازی که بر خلاف همه دشواری‌ها ایستادگی کرده و همچنان نام زیمبابوه را در صنعت مجسمه‌سازی جهان سر بلند نگاه داشته است، دومینیک بنهورا می‌باشد.



دومینیک بنهورا (Dominic Benhura)

دومینیک بنهورا در سن ۱۰ سالگی کار خود را با کمک به پسرعمویش، مجسمه‌ساز نامدار تاپفوما گوتسا، آغاز کرد و اندکی بعد به خلق آثار مستقل خود پرداخت. او سال‌های شکل‌گیری هنری خود را در پارک مجسمه‌سازی چاپونگو (Chapungu Sculpture Park) سپری کرد و امروزه به‌عنوان پیشرو و نوک پیکان مجسمه‌سازی زیمبابوه شناخته می‌شود. بنهورا نمایشگاه‌های انفرادی متعددی در زیمبابوه، استرالیا، بلژیک، هلند، آلمان و ایالات متحده آمریکا برگزار کرده است.

دامنه موضوعات آثار او بسیار گسترده است و گیاهان، درختان، خزندگان، حیوانات و تمامی طیف‌های تجربه انسانی را دربر می‌گیرد. بنهورا توانایی منحصربه‌فردی در نمایش احساسات انسانی از طریق فرم—و نه صرفاً حالت چهره—دارد. او همچنان با روحیه تجربه‌گرایی و نوآوری پیشتاز است و آثار ماندگاری چون درخت افوربیا، دوست HIV ما، مرا تاب بده مادر، رقص پرندگان باران و یک‌شنبه تنبل را خلق کرده است.

او فعالیت حرفه‌ای خود در مجسمه‌سازی را از ده‌سالگی و زیر نظر پسرعمویش، استاد مجسمه‌سازی تاپفوما گوتسا، آغاز کرد و در دوازده‌سالگی نخستین اثر خود را به‌صورت حرفه‌ای به معماران فروخت. آثار بنهورا جسورانه و جسیم‌اند و توازن و حرکت را هم به‌صورت فیزیکی و هم احساسی به‌خوبی منتقل می‌کنند. انگیزه اصلی او کاوش در ایده‌ها، مفاهیم، تکنیک‌ها و روش‌های نو و بیان قدرتمند ایده‌های ساده است. طبیعت، خانواده و رابطه او با فرزندانش مهم‌ترین سرچشمه الهام آثارش به شمار می‌آیند.

دومینیک بنهورا اغلب موادی چون فولاد، سیم و سنگ را در کنار هم به کار می‌گیرد تا آثاری با رسانه‌های ترکیبی خلق کند که در هماهنگی کامل با یکدیگر قرار دارند. سنگ‌ها به‌دقت و بر اساس درخشندگی و رنگ انتخاب می‌شوند، سپس تراشیده، ساییده و بازساخته می‌گردند تا به فرم‌هایی چشمگیر از گیاه یا انسان بدل شوند؛ ویژگی‌ای که او را در سطح جهانی مشهور ساخته است. آثار او در نمایشگاه‌های مهمی در زیمبابوه و سراسر جهان به نمایش درآمده و همچنین در کارگاه‌های آموزشی در بوتسوانا، آمریکا، هلند، بلژیک، آلمان و بریتانیا مشارکت داشته است. او اکنون در خانه خود کار می‌کند و دانش و مهارتش را به هنرمندان بین‌المللی و شاگردان محلی منتقل می‌سازد.

نمایشگاه‌ها و فعالیت‌ها

موزه میلِس گارتِن، سوئد

پارک مجسمه‌سازی یورکشایر، بریتانیا

اکسپو ۹۲، سویا، اسپانیا

لاولند، کلرادو، ایالات متحده

ترینکهاوس و بورکهارت، دوسلدورف

بانک اشپارکاسه ووپرتال، آلمان

هلسینکی، فنلاند ۱۹۹۲

گالری «ایم شلوس گارتِن گاوئنگالوخ»، آلمان

پارک وستفالن، دورتموند

گالری شونا سول، سانتافه، نیومکزیکو، آمریکا

گالری باربارا آکرمن، لس آنجلس، آمریکا

قلعه هنکنس هاخه، سنت اودن روده، هلند

قلعه آلدن بیزن، بیلزن، بلژیک

کارگاه بین‌المللی آکادمی رمیسه، دانمارک

کارگاه فورت کنینگ، سنگاپور

هنر مدرن آفریقا، برلین، آلمان

پارک مجسمه‌سازی چاپونگو، هراره، زیمبابوه – نمایش دائمی

جایزه افتخار ویژه – مسابقه سالانه موبیل اوایل زیمبابوه، ۱۹۹۷

کارگاه و نمایشگاه هامبورگ، آلمان، ۱۹۹۸

داوری مسابقه سالانه تحت حمایت موبیل اوایل، گالری ملی زیمبابوه

کارگاه‌ها در باغ‌های گیاه‌شناسی کیرستن‌بوش، آفریقای جنوبی

نمایشگاه انفرادی در گالری چاپونگو، استرالیا، ۱۹۹۹

داوری مسابقه سالانه زنان، ۱۹۹۹

نماینده زیمبابوه در جشنواره ملی هنر بانک استاندارد، آفریقای جنوبی

گالری آرتنیوم، هامبورگ، آلمان

جشنواره هنر ادینبرو، اسکاتلند، ۲۰۰۰

نمایشگاه گروهی در باغ‌های کیو، انگلستان، با گالری چاپونگو

نمایشگاه گروهی در آرت اسپیس ۲۰۰۰، انگلستان

نمایشگاه انفرادی در گالری کوباتانا، آتلانتا، جورجیا، آمریکا

نمایشگاه انفرادی در اکسیو ۲۰۰۰، هانوفر، آلمان

بازارهای مجسمه‌سازی

امروزه مجسمه‌سازان زیمبابوه تا حد زیادی به گردشگری داخلی، و همچنین معرفی و ترویج منطقه‌ای و بین‌المللی آثارشان از سوی گالری‌ها، نهادهای هنری، خانه‌های حراج و مجموعه‌داران خصوصی وابسته‌اند.

در زیمبابوه و دیگر نقاط جهان، گالری‌های متعددی به نمایش مجسمه‌های سنگی اختصاص یافته‌اند که مهارت‌های شگفت‌انگیز هنرمندان و آثار سنگی‌ای را به نمایش می‌گذارند که زیمبابوه به واسطه آن‌ها شهرت یافته است.

از گالری‌های مشهور مجسمه‌سازی سنگی زیمبابوه که به‌ویژه بر هنر نامدار شونا تمرکز دارند می‌توان به گالری شونا اسکالپچر، پارک مجسمه‌سازی گسترده چاپونگو و گالری ملی زیمبابوه اشاره کرد؛ در کنار آن‌ها، مکان‌های ارزشمندی چون گالری دلتا، گالری نیاکا و جامعه تاریخی هنرمندان در مزرعه تنگنگه (Tengenenge Farm) قرار دارند که مجموعه‌هایی متنوع از آثار سنتی تا معاصر را ارائه می‌دهند.



بازاریابی مجسمه‌سازی شونا ترکیبی از راهبردهای سنتی و مدرن را دربر می‌گیرد و با تکیه بر اعتبار این هنر به‌عنوان یکی از جنبش‌های منحصربه‌فرد و مهم هنر آفریقا، مجموعه‌داران بین‌المللی و علاقه‌مندان هنر را جذب می‌کند.

جنبه‌ها و کانال‌های اصلی بازاریابی مجسمه‌سازی شونا عبارت‌اند از:

کانال‌های بازاریابی فیزیکی

گالری‌ها و نمایشگاه‌ها:

گالری‌های داخل زیمبابوه، مانند گالری ملی زیمبابوه، و همچنین گالری‌های بین‌المللی نقش کلیدی در گزینش، نمایش و اعتباربخشی به مجسمه‌سازی شونا به‌عنوان یک هنر جدی ایفا می‌کنند. نمایشگاه‌های معتبر بین‌المللی سهم بزرگی در افزایش آگاهی عمومی و دیده‌شدن این هنر در خارج از کشور داشته‌اند.

بازارهای کنار جاده و مراکز هنری:

در زیمبابوه، بسیاری از هنرمندان آثار خود را در غرفه‌های کنار جاده و مراکز هنری (مانند دهکده هنری تنگننگه) عرضه می‌کنند. این فضاها همچون گالری‌های روباز عمل کرده و گردشگران و خریداران محلی را جذب می‌نمایند.

نمایشگاه‌ها و آرت‌فرها:

حضور در نمایشگاه‌ها و آرت‌فرهای بین‌المللی به معرفی آثار به مخاطبان گسترده‌تر، از جمله طراحان فضای سبز و دوستداران هنر، کمک می‌کند.

مجموعه‌های موزه‌ای:

قرار گرفتن آثار در مجموعه‌های دائمی موزه‌های بزرگ، مانند موزه هنر مدرن نیویورک و موزه رودن پاریس، اعتبار و ارزش بازار جنبش شونا و هنرمندان خاص را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

کانال‌های بازاریابی دیجیتال

گالری‌های آنلاین و تجارت الکترونیک:

پلتفرم‌های تخصصی آنلاین مانند GURUVE و ZIMSCULPT به مراکز اصلی فروش بین‌المللی آثار نسل اول و آثار معاصر تبدیل شده‌اند. این بسترها با بهره‌گیری از تجارت الکترونیک به بازار جهانی دسترسی دارند.

پرتال‌های وب و شبکه‌های اجتماعی:

استفاده از وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی (از جمله پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام) به معرفی هنرمندان، روایت داستان‌ها و جذب نسل جدیدی از مجموعه‌داران کمک می‌کند.

بازاریابی محتوایی:

دلالت و گالری‌های هنری با انتشار وبلاگ‌ها و مقالات، خریداران بالقوه را درباره تاریخچه، اهمیت فرهنگی و ارزش سرمایه‌گذاری این مجسمه‌ها آگاه می‌سازند تا تصمیم‌گیری آگاهانه‌تری داشته باشند.

راهبردهای کلیدی بازاریابی

تأکید بر اصالت و شناسنامه اثر:

بخش مهمی از راهبرد بازاریابی، تضمین اصالت اثر و برجسته‌سازی اعتبار و تبار هنرمند (مانند «هنرمندان نسل اول») است. این امر برای حفظ ارزش سرمایه‌گذاری در بازاری که تا حدی تجاری شده، حیاتی است.

روایت‌گری اخلاقی:

بسیاری از مروجان هنر بر تأثیر مثبت مستقیم خرید آثار بر زندگی هنرمندان و جوامع آنان تأکید می‌کنند و بر تجارت منصفانه و شیوه‌های اخلاقی کسب‌وکار تمرکز دارند؛ رویکردی که با خریداران آگاه اجتماعی هم‌خوانی دارد.

برجسته‌سازی یگانگی:

این هنر به‌عنوان شکلی منحصر به فرد از هنر بومی آفریقا معرفی می‌شود که دارای سبکی متمایز، ماده‌ای خاص (سنگ سرپانتین) و مضامینی ریشه‌دار در فرهنگ شونا، معنویت و احساسات انسانی است.

هدف‌گیری مخاطبان خاص:

اگرچه گردشگران بین‌المللی و خریداران خارجی مخاطبان اصلی هستند، تلاش‌هایی نیز برای جلب توجه مخاطبان داخلی و مجموعه‌داران خاصی که ارزش فرهنگی و تاریخی آثار را درک می‌کنند، صورت می‌گیرد.



مشکلات و چالش‌های پیش‌روی مجسمه‌سازان: بهای خلاقیت - بهره‌کشی اقتصادی در صنعت مجسمه‌سازی زیمبابوه



مجسمه‌سازان زیمبابوه‌ای امروز به‌شدت به گردشگری داخلی و همچنین تبلیغ آثار خود در بازارهای منطقه‌ای و خارجی از طریق گالری‌ها، مؤسسات، حراجی‌ها و کلکسیونرهای خصوصی وابسته هستند.

اگرچه آمارهای دولتی نشان می‌دهد گردشگری بین‌المللی در زیمبابوه در حال رشد است، تنها تعداد کمی از گردشگران مجسمه‌ها را می‌خرند.

هنگامی که خریداران اقدام به خرید می‌کنند، قیمت‌های حداقلی را مذاکره می‌کنند و سپس این مجسمه‌ها را در اروپا، ایالات متحده و آسیا با قیمت‌های گزاف می‌فروشند.

این مجسمه‌ها در سطح بین‌المللی بیش از خانه خود مورد تحسین قرار گرفته‌اند و هم به‌خاطر سنگ سرپنتین که از آن تراشیده شده‌اند و هم به‌خاطر میراث معنوی شونا که با آن‌ها همراه است، شناخته می‌شوند.

با تکیه زیاد بر بازارهای خارجی برای فروش، برخی از مجسمه‌سازان می‌گویند با مشکلات مختلفی روبه‌رو هستند که باعث پرداخت کم برای آثارشان در حوزه‌ای می‌شود که پتانسیل تولید میلیون‌ها دلار را دارد.

برخی از مجسمه‌سازان به‌خاطر دست‌مزد پایین، از مجسمه‌سازی دست‌کشیده‌اند.

مجسمه‌سازان همچنین با چالش کپی‌برداری و جعل آثار خود مواجه هستند.

در سال ۲۰۰۴، زیمبابوه قانون «حق مؤلف و حقوق هم‌جوار» را برای پوشش حق مؤلف بر آثار ادبی و جلوه‌های فرهنگی سنتی، از جمله مجسمه‌سازی، تصویب کرد، اما اکثر هنرمندان گفتند از آن بی‌اطلاع بوده‌اند.

مجسمه‌ساز دومینیک بنهورا (که در این گزارش معرفی شده است) در زمانی تلاش کرد تا با پیگیری پرونده قضایی، جلوی کپی‌آثارش را بگیرد، اما او می‌گوید این پرونده نشان داد که اثبات نقض حق مؤلف چقدر دشوار است. بعد از اینکه بنهورا هزاران دلار برای استخدام وکیل و هزینه‌های شش‌ماهه دادگاه صرف کرد، قاضی متخلف را تنها به پرداخت جریمه ۵۰ دلاری محکوم کرد.



مجسمه‌سازان و هویت فرهنگی و اقتصادی کشور

مجسمه‌سازان به هویت فرهنگی و اقتصادی زیمبابوه کمک شایانی می‌کنند. صنعت مجسمه‌سازی در زیمبابوه یک تناقض بزرگ است: پر از استعدادهای عظیم، اما گرفتار مشکلات

مالی. بیشتر هنرمندان بدون قرارداد کار می‌کنند و در نتیجه در معرض بهره‌کشی توسط صاحبان گالری و واسطه‌ها قرار دارند.

واسطه‌ها مجسمه‌ها را با قیمت‌های بسیار پایین خریداری کرده و در خارج از کشور با هزاران دلار می‌فروشند. بسیاری از مجسمه‌سازان با وجود آنکه آثارشان در خارج از کشور به نمایش گذاشته می‌شود، در فقر زندگی می‌کنند. هنر زیмбаوه‌ای به شدت مورد توجه کلکسیونرهای بین‌المللی است، اما خود هنرمندان به ندرت سود قابل توجهی می‌برند. گالری‌ها و حراجی‌های خارجی از افزایش تقاضای هنر آفریقایی سود می‌برند، در حالی که هنرمندان زیмбаوه‌ای اغلب تنها کسری از ارزش واقعی آثارشان را دریافت می‌کنند.

نبود بازار هنری سازمان‌یافته و تجارت منصفانه در زیмбаوه باعث می‌شود خریداران خارجی قیمت‌ها را تعیین کنند و هنرمندان محلی قدرت مذاکره چندانی نداشته باشند. برای مقابله با بهره‌کشی اقتصادی از هنرمندان، باید اصلاحات ساختاری اجرا شود تا خلاقان محافظت شده و دستمزد منصفانه‌ای برای آثارشان دریافت کنند. دولت، سازمان‌های هنری و ذی‌نفعان صنعت باید همکاری کنند تا سیاست‌هایی ایجاد شود که هنرمندان را از بهره‌کشی حفظ کند، پایداری مالی را ترویج دهد و روش‌های تجارت منصفانه را در بخش‌های مختلف هنر تضمین کند.

نبود کمک‌های دولتی باعث می‌شود هنرمندان به واسطه‌ها وابسته باشند، کسانی که مجسمه‌ها را با قیمت پایین خریداری و در بازار جهانی با سود بالا می‌فروشند. دولت باید صندوقی برای هنر و فرهنگ ایجاد کند که کمک‌هزینه‌هایی به هنرمندان در رشته‌های مختلف ارائه دهد.

هنرمندان زیмбаوه‌ای، به‌ویژه در هنرهای تجسمی و صنایع دستی، اغلب توسط خریداران بین‌المللی که آثارشان را ارزان خریداری و با قیمت بالاتر می‌فروشند، مورد بهره‌کشی اقتصادی قرار می‌گیرند. اجرای سیاست‌های تجارت منصفانه برای اطمینان از دریافت دستمزد مناسب توسط هنرمندان ضروری است.

مجسمه‌سازان در هارا، موتاره و ویکتوریا فالز اغلب از اینکه آثارشان در داخل کشور کم‌ارزش شمرده می‌شود اما در خارج گران‌قیمت است، گلایه دارند. در عوض، واسطه‌ها و شرکت‌های صادراتی بیشترین سود را می‌برند و هنرمندان سهم مالی کمی دارند. همکاری با بازارهای آنلاین می‌تواند به هنرمندان اجازه دهد آثارشان را بدون واسطه مستقیماً به خریداران بفروشند.

صدور گواهی دولتی برای آثار اصیل زیمبابوه‌ای می‌تواند از سوءاستفاده خارجی‌ها جلوگیری کند. بهره‌کشی اقتصادی از هنرمندان زیمبابوه مانع بزرگی برای رشد اقتصاد خلاق کشور است. بدون سیاست‌های مناسب، هنرمندان محلی همچنان در دست واسطه‌ها، خریداران خارجی و نگهبانان صنعت آسیب خواهند دید. قوانین حق مؤلف قوی‌تر، اجرای قراردادهای منصفانه، حمایت مالی و سیاست‌های تجارت منصفانه برای ایجاد یک بخش هنری پایدار که هنرمندان بتوانند در آن شکوفا شوند، ضروری است.

آینده هنر زیمبابوه به تغییرات سیستماتیک بستگی دارد و وقت آن است که دولت، فعالان صنعت و جامعه ارزش واقعی استعداد خلاق کشور را بشناسند. زیمبابوه سرشار از استعدادهای خلاق است، اما بدون عدالت اقتصادی، بسیاری از هنرمندان آن همچنان با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم خواهند کرد. بهره‌کشی از هنرمندان زیمبابوه فقط یک مسئله صنعتی نیست؛ بلکه یک مسئله ملی است که نیازمند توجه فوری است. خلاقیت باید منبع توانمندسازی باشد نه فقر، و تا زمانی که هنرمندان دستمزد منصفانه‌ای دریافت نکنند، پتانسیل کامل میراث فرهنگی زیمبابوه دست‌نخورده باقی خواهد ماند.

وضعیت فعلی هنر معاصر در زیمبابوه

صحنه هنر زیمبابوه، تاروپودی غنی از بیان فرهنگی، نقد سیاسی و خلاقیت نوآورانه است که با تاریخ مقاومت و تاب‌آوری عجین شده است. با وجود مشکلات اقتصادی و ناپایداری سیاسی، هنر معاصر در زیمبابوه به رشد خود ادامه داده و هنرمندان از آثارشان به‌عنوان ابزار قدرتمند تغییر اجتماعی و بررسی هویت استفاده می‌کنند. وضعیت فعلی هنر زیمبابوه بازتابی پویا از چشم‌انداز پیچیده اجتماعی-سیاسی کشور است که تأثیرات سنتی را با تکنیک‌ها و موضوعات مدرن ترکیب می‌کند.

تحولات در ساخت مجسمه‌ها

هنرمندانی مانند دومینیک بنهورا مرزهای این سنت را گسترش داده‌اند و فرم‌های پویا و بیانی ایجاد کرده‌اند که با مخاطبان معاصر هم‌خوانی دارد. در حالی که مجسمه‌سازی شونا هنوز بخش مهمی از هنر زیمبابوه است، گرایش به رویکردهای تجربی و چندرسانه‌ای دیده می‌شود.

مجسمه‌سازان معاصر به‌طور فزاینده‌ای از فلز، چوب و اشیای بازیافتی در آثار خود استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده روند نوآوری و تنوع در هنر زیمبابوه است.

تأثیر مهاجرت و دیاسپورا

دیاسپورای زیمبابوه نقش مهمی در شکل‌گیری هنر معاصر کشور ایفا کرده است. بسیاری از هنرمندان به دلیل ناپایداری سیاسی و اقتصادی کشور را ترک کرده‌اند، اما همچنان از طریق آثارشان با سرزمین مادری در ارتباط هستند. دیاسپورا تبادل ایده‌ها و تأثیرات را تسهیل کرده و صحنه‌ای جهانی و متصل ایجاد کرده است.

دیاسپورا همچنین موجب دیده‌شدن بیشتر هنر زیمبابوه در سطح جهانی شده است. گالری‌هایی مانند Zuva در آریزونا و نمایشگاه‌هایی در اروپا، آمریکای شمالی و بخش‌های دیگر آفریقا، مخاطبان بین‌المللی را با غنای هنر معاصر زیمبابوه آشنا کرده‌اند. این دیده‌شدن جهانی نه تنها جایگاه هنرمندان را ارتقا داده بلکه علاقه به کل صحنه هنر زیمبابوه را افزایش داده است.

افزایش پلتفرم‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های جدیدی برای رشد و نوآوری فراهم کرده است. نمایشگاه‌های آنلاین و گالری‌های مجازی اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند. مؤسسات و گالری‌های محلی مانند گالری ملی زیمبابوه و First Floor Gallery Harare نقش مهمی در حمایت و ترویج هنرمندان معاصر دارند و به هنرمندان نوظهور امکان نمایش آثار و شرکت در برنامه‌های آموزشی و پرورش نسل بعدی خلاقان را می‌دهند.

وضعیت هنر معاصر در زیمبابوه نشان‌دهنده تاب‌آوری، خلاقیت و مشارکت انتقادی است. با وجود چالش‌ها، هنرمندان زیمبابوه آثار زیبایی خلق می‌کنند که هم از لحاظ بصری جذاب و هم از لحاظ اجتماعی و سیاسی مهم است. آثار آن‌ها پیچیدگی زندگی امروز زیمبابوه را بازتاب می‌دهد و سنت و نوآوری را با هم ترکیب می‌کند تا چشم‌اندازی فرهنگی پویا و در حال تحول ایجاد شود.

روندهای آینده مجسمه‌سازی شونا

آینده مجسمه‌سازی شونا با ترکیبی پویا از ریشه‌های سنتی فرهنگی و تأثیرات مدرن مشخص می‌شود که منجر به تنوع در سبک، مواد و ادغام فناوری می‌شود.

روندهای کلیدی:

ترکیب سنت و مدرنیته: نسل جدید هنرمندان، اغلب در محیط‌های شهری، میراث روستایی و باورهای خود را با زیبایی‌شناسی مدرن و جنبش‌های هنری جهانی ترکیب می‌کنند، که سبک مدرن جدیدی ایجاد می‌کند که بر فرم‌های سنتی بنا شده و همزمان معاصر است.

تنوع مواد و تکنیک‌ها: اگرچه سنگ همچنان محور اصلی است، مجسمه‌سازان معاصر بیشتر آزمایش می‌کنند و مواد فلزی، چوبی و اشیای بازیافتی را به کار می‌برند. حتی تکنیک‌های دیجیتال مانند مدل‌سازی رایانه‌ای و چاپ سه‌بعدی برای خلق بیان‌های نوین و نقد تغییرات اجتماعی وارد شده‌اند.

کاوش در موضوعات جدید: در حالی که موضوعات سنتی مانند خانواده، ارواح و افسانه‌ها هنوز محبوب هستند، هنرمندان به موضوعات شخصی‌تر و نوین نیز می‌پردازند، از جمله:

فرم‌های پویا و بیانی تجربه انسانی (غم، شادی، تحول شخصی)

نقد اجتماعی جامعه معاصر زیمبابوه، مانند کاهش اهمیت تام‌های سنتی

مواجهه با میراث استعماری زیمبابوه

آگاهی و سازگاری با بازار جهانی: این هنر همچنان مورد توجه کلکسیونرها، گالری‌ها و موزه‌های بین‌المللی است، و هنرمندان بیش از پیش از ارزش‌ها و روندهای بازار جهانی آگاه شده‌اند. استفاده از اصطلاح گسترده‌تر «مجسمه‌سازی سنگی» همراه با «مجسمه‌سازی شونا» نیز برای جذب مخاطبان بین‌المللی که با ریشه‌های فرهنگی خاص کمتر آشنا هستند، مرسوم شده است.

تمرکز بر مستندسازی و حفظ آثار: تلاش‌های سازمان‌هایی مانند **Chapungu Sculpture Park** و گالری‌های مختلف بر مستندسازی هنر و هنرمندان تمرکز دارد تا میراث فرهنگی و تاریخ جنبش برای نسل‌های آینده حفظ شود.

جمع‌بندی: مجسمه‌سازی شونا یک هنر زنده است که به تکامل خود ادامه می‌دهد، هویت فرهنگی قدرتمند خود را حفظ می‌کند و همزمان نوآوری و تعامل با دیالوگ جهانی را می‌پذیرد.

References

<https://www.zuvagallery.com/the-current-state-of-contemporary-art-in-zimbabwe/>

<https://zimsculpt.com/2020/08/the-shona-sculpture-movement/>

<https://www.zuvagallery.com/the-history-of-stone-sculptures/>

<https://chapunguatcenterra.com/about/>

<https://www.shonasculpture.gallery/shona-sculpture/shona-sculpture-history/>

<https://www.shonasculpture.gallery/shona-sculpture/serpentine-stone/>

<https://www.foundgoshen.com/zimbabwe-sculptures>

<https://www.contemporary-african-art.com/shona-sculpture.html>

<https://www.sfomuseum.org/exhibitions/stone-sculpture-zimbabwe/gallery>

<https://mbare.com/blog/spirits-in-stone-shona-sculpture-from-zimbabwe/>

<https://hamiltonsofpelham.com/collections/zimbabwe-sculptures>

<https://globalpressjournal.com/africa/zimbabwe/zimbabwean-sculptors-struggle-make-living-despite-low-prices-forgeries/>

<https://www.newsday.co.zw/thestandard/standard-style/article/2020039203/edutainment-mix-the-price-of-creativity-economic-exploitation-in-zim-art-industry>

<https://basketsof africa.com/making-shona-sculpture-in-zimbabwe/>

<https://www.contemporary-african-art.com/shona-sculpture.html>

<https://www.meyave.com/blogs/news/exploring-common-themes-in-shona-sculpture>

<https://www.zuvagallery.com/how-shona-stone-sculptures-are-made/>

<https://www.guruve.com/african-art-culture/shona-artists/>

<https://zimsculpt.com/artists/dominic-benhura/>

<https://zimfieldguide.com/mashonaland-central/tengenenge-sculpture-village>